

متن پرسش

سلام: سوالاتی از تفسیر المیزان ۱. در آیات ۳۵ تا ۳۹ سوره بقره در بحث روایتی؛ علامه پس از بیان احادیث این نتیجه گیری را می فرمایند: «در نتیجه مکثی که مردگان در برزخ و رسیدن روز قیامت دارند؛ مکث زمینی است و در همین زمین زندگی می کنند. همچنانکه آیه «قال کم لبثتم فی الارض عدد سنین. قالوا لبثنا یوما... و آیه یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون... در هر دو آیه وقتی سوال از زندگی برزخ می کنند؛ می پرسند: چقدر در زمین مکث کردید. پس معلوم می شود زندگی برزخی در همین زمین است.) خب مگر ما در معرفت النفس نمیگیم پس از مرگ جسم به خاک رفته و حقیقت ما که روح است به مسیر ادامه می دهد. خب مگر روح غیر مادی نیست چگونه در دنیای مادی برزخ وجود دارد؟ ۲. در آیه ۱۰۲ و ۱۰۳ سوره بقره در داستان «واتبعوا ما تتلو الشیاطین...» هاروت و ماروت را دو ملک بابل معرفی می کند. مگر ملک در منطقه ای مادی به نام بابل زندگی می کند؟ ۳. در آیات ۱۰۸ تا ۱۱۵ سوره بقره علامه پس از بحث روایتی و در مورد «فاینما تولوا فثم وجه الله» مطلبی می فرمایند که می خواستم توضیح بفرمایید: (این را هم باید دانست که اگر آن طور که باید و شاید اخبار ائمه اهل بیت را در مورد عام و خاص و مطلق و مقید قرآن دقیقا مورد مطالعه قرار دهیم؛ به موارد بسیاری برخوردیم خورد که از عام آن یک قسم حکم استفاده می شود و از همان عام بضمیمه مخصوص حکمی دیگر استفاده می شود. مثلا از عام آن در غالب موارد استحباب و از خاصش وجوب فهمیده می شود و همچنین آنجا که دلیل نهی دارد از عامش کراهت و از خاصش حرمت و همچنین از مطلق قرآن حکمی و از مقیدش حکمی دیگر استفاده می شود؛ و این خود یکی از کلیدهای اصلی تفسیر در اخبار اهل بیت است و مدار عده بی شماری از احادیث آن بزرگواران بر همین معنا است؛ و با در نظر داشتن آن شما خواننده می توانی در معارف قرآنی دو قاعده استخراج کنی. اول اینکه هر جمله از جملات قرآنی به تنهایی حقیقتی را می فهماند و با هر یک از قیودی که دارد از حقیقتی دیگر خبر می دهد حقیقتی ثابت و لا یتغیر و یا حکمی ثابت از احکام را. مانند آیه شریفه: «قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون» که چهار معنا استفاده می شود معنای اول از «قل الله» دوم از «قل الله ثم ذرهم» سوم از «قل الله ثم ذرهم فی خوضهم» و معنای چهارم از کل آیه. دوم اینکه اگر دیدید دو قصه و یا دو معنا در یک جمله ای شرکت دارند؛ و آن دو جمله در هر دو قصه آمده و یا چیز دیگری در هر دو ذکر شده؛ می فهمیم که مرجع این دو قصه به یک چیز است و این دو قاعده دو سر از اسرار قرآنی است که در تحت آن اسراری دیگر است و خدا راهنما است.) لطفا این دو قاعده خصوصا دومی را توضیح دهید. با تشکر

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! انسان در برزخ از آنچه در دنیا می‌گذرد، منقطع نیست و این نکته مهمی می‌باشد که علامه طباطبایی به کمک آیات مذکور متذکر آن می‌شوند. ولی این بدان معنا نیست که انسان در برزخ مانند دنیا اراده‌های دنیایی در راستای انتخاب و اختیار جهت تکمیل خود داشته باشد، زیرا وقتی طرف پس از مرگ و حضور در برزخ می‌گوید: «رَبِّ ارْجِعُونِ . لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ» در جواب او گفته می‌شود: « كَلَّا ۚ إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا ۚ وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ». در مورد ملکین هاروت و ماروت نیز قضیه از آن قرار است که آن‌ها نازل شده‌اند در دنیا. در مورد نکات دیگر که فرموده‌اید خوب است که رفقای کاربر به آن نکات توجه فرمایند. موفق باشید